

«دستاورد ما از 8 مارس 1385 در آذربایجان»

-مقدمه:

گزارشی را که پیش رودارید حاصل بیش از یک ماه تلاش چند نفر از فعالین جنبش زنان و من می باشد. که جهت برگزاری مراسم 8 مارس- برابر با 17 اسفند ماه 1385- در تبریز انجام گرفته است. هر چند درآمد این تعاملات و مباحثه ها ظاهراً نتیجه عملی مثبتی در برداشت و ما نتوانستیم به این مناسبت مراسمی درخور روز بزرگداشت زن برگزار کنیم. اما بخشی از این فعالیت ها و گفتگوها با اشخاص حقیقی و حقوقی سبب شد، تا ما دیدگاههای مختلف را در رابطه با موضوع زنان بشناسیم و از این رهگذر در پیش روی خود و مخاطبانمان دریچه های تازه ای از اندیشه ها و امیدها را بگشائیم و برای اهداف مورد نظرمان در آینده برنامه ریزی های منسجم تری را انجام دهیم.

«برخورد حاکمیت تمامیت خواه با موضوع زنان»

علیرغم آن که با یکدست شدن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و ترس حاکمیت از نقش تأثیر گذاری که ملت آذربایجان در طی تاریخ بخصوص در تغییر حاکمیت ها از خود نشان داده است، برایم روشن و مبرهن بود که اینبار نیز کلیه مطالبات مدنی ما به عنوان یک شهروند نادیده گرفته خواهد شد. به استناداری رفتن و طی نامه ای از آنها خواستم تا اجازه راهپیمای آرام و یا تجمع در یکی از مکان های عمومی شهر را برای برگزاری مراسم مربوط به 8 مارس صادر نمایند. آنها در نهایت بی اعتنایی و بی احترامی که در اغلب ادارات دولتی شیوه ای رایج و معمول گردیده است از توجه به خواسته های ما خودداری کردند و نشان دادند که حقوق شهروندی در رابطه با ساکنان سرزمین مادریم آذربایجان - که در همواره زمان سربلند و ایستاده و پایدار باد - تا چه میزان مورد توجه و دقت نظر و لطف مهرورزانه مسئولین دولت عدالت محور و مهرور آقای محمود احمدی نژاد و سایر کارکنان رژیم اسلامی قرار می گیرد؟! و آنها تا چه پایه به این سرزمین و مردمش حرمت و احترام درخور و شایسته قائلند؟! که در اینجا تشریح " این مثنوی هفتاد من کاغذی بماند" به جای دیگر و به وقت دیگر.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشگاه تبریز طی دعوتی که از ما و مؤسسات غیر دولتی به عملی آورد، از ما خواست تا در رابطه با برگزاری همایش مورد نظرشان با آنها همکاری فکری کنیم. ابتدا عنوان همایش "زن و یک قرن محرومیت بود." که بعداً به صلاح دید مسئولین دانشگاه این عنوان به "زن در جهان اسلام" تغییر نام داد.

همایش دارای چهار کمیته بود::

کمیته اجرای.

کمیته سمعی و بصری.

کمیته پژوهشی.

کمیته مدعوین.

ما به عنوان مسئول کمیته پژوهش از سوی دانشجویان دانشگاه تبریز برگزیده شدیم و بنا شد تا توسط این کمیته مقالات مختلفی در زمینه موضوعات مربوط به 8 مارس تهیه و از کل مقالات ارائه شده ویژه نامه ای برای اطلاع رسانی دانشجویان جهت پخش در روز همایش آماده کنیم. دانشجویان که اکثراً از دانشکده های فنی و علوم اجتماعی بودند در آن حضوری فعال، آگاهانه و صمیمانه داشتند. ولی متأسفانه سخنرانانی که از طرف دانشجویان برگزیده شده بودند و عبارتند بودند از خانمها:

شادی صدر - مریم خراسانی - صادقی - نوشین احمدی خراسانی - فرانک فرید - زهره وفایی از سوی مسئولین دانشگاه مردود اعلام گردیدند و آنها خودشان دو کاندیدا از جناح راست تحت عناوین خانمها: عشرت شایق - فاطمه رجبی برای برنامه ما معرفی کردند و در نتیجه دانشجویان از ادامه اجرای همایش صرف نظر کرده خواهان لغو آن گردیدند. البته لازم به یادآوری است که یکی از دانشجویان فعال نیز که از سوی کمیته پژوهش مأموریت یافته بود تا با خانم "مریم خراسانی" در تهران دیدار و مصاحبه اش را به صورت سی - دی در آورده منتشر کند بعد از دیدارش با خانم مریم خراسانی به دفتر حراست دانشگاه فراخوانده شد، و بعد از بازجویی هایی متداول در رابطه با این دیدار، سی دی مربوطه نیز به عنوان آلت و ابزار عدول از خط قرمز دانشگاه در پرونده ای که برایشان درست کرده بودند ضبط شد. و به ایشان تذکر جدی برای اینکه دیگر مجاز به فعالیت نیست داده شد.

«رویکرد نیروهای ملی - مذهبی با موضوع زنان»

جریان ملی - مذهبی بویژه در آذربایجان با موضوع مربوط به زنان بیگانه است. نیروهای ملی - مذهبی به طور کلی با توجه به روحیه خرده بورژوا زده شان و خاستگاه طبقاتی شان و نیز باور توهم آلوده اشان نسبت به اسلام، در رابطه با موضوعات مهمی چون مسئله عدالت اقتصادی (سوسیالیسم)، قومیت ها، زبان و زنان فوق العاده بیگانه هستند. وجود نوعی رفتار مردسالارانه خشن و انعطاف ناپذیر در ساختار آن باعث شده است تا زنان در بین این نیروها نتوانند حضور مستمر و فعال داشته باشند و در صورت حضور نیز از نظر این نیروها زنان جایگاهی در مرکزیت و فعالیتهای اصلی آن نمی توانند، ایفاء کنند. بنابراین با تعارفاتی که تنها ویژه خودشان است از آنان خواسته می شود تا برای

ورود به بازیهای سیاسی رایج ریزه خوار عقاید سنتی- مذهبی- و نه ملی مردان باشند در غیر این صورت با فرمولهای مختلف حتی از جلساتشان حذف می شوند.

از آنجائی که من و چند تن از دوستانم چندین سال بود که در جلسات "نهضت آزادی ایران" که هر دو هفته یکبار در روزهای سه شنبه برگزار می شد، شرکت داشتیم. گمان کردیم که اگر با آقایان فعال در "نهضت آزادی ایران" شعبه تبریز صحبت کنیم تا یکی از جلسات خود را به موضوع 8 مارس و مسائل مربوط به زنان اختصاص دهند می پذیرند. ما ابتدا به خاطر ظاهر فریبنده شان که خیلی روشنفکر مابانه و دموکرات مابانه بود به آنها این پیشنهاد را کردیم. ولی متأسفانه آنها حاضر نشدند خواسته ما را بپذیرند و وعده دادند که سال بعد می توانند برای برنامه مربوط به زنان جا رزو کنند.

جلسه قرآن و مثنوی شاید از مهمترین جلسات نیروهای ملی - مذهبی ها در تبریز است که سابقه ای چندین ده ساله دارد. زنده یاد «آقای عبدالله واعظ» که از عرفا و بزرگ مردان آذربایجان بود مردی وارسته و آگاه و درد آشنا بود از بنیانگذاران این جلسه محسوب می شود در زمان حیات ایشان به علت مقام والای آقای واعظ در زهد و ریاضت و خردورزی و انسان دوستی این جلسات واقعاً می توانست تأثیر گذار باشد و در دل شبهای خفقان آور و سرد و تاریک آن دوره چراغ هدایت و خانه امید و ایمان کسانی باشد که از درد مشترک عمومی در رنج و سختی بودند. ولی با فوت آقای واعظ که یادش همواره سبز و آفتابی باد. این محل، رفته رفته از صمیمت و یکدلی و یکرنگی جدا شده و اعضاء هیأت مدیره و مجری آن از "حق و تو" نسبت به سایرین برخوردار شدند.

برای اعضا چارچوب های سنتی از فهم دین صادر می کنند و به طرز نکوهدیده همواره خود را متکلم الوحده و دیگران را در مقام غایب و یا مخاطب می بینند و من از آنجائی که از زمان آقای واعظ کما بیش در آن جلسات حضور داشتم از حدود چند هفته پیش از آنها وقت خواستم تا در رابطه با مسائل مربوط به زنان اجازه دهند حداقل به اندازه ده یا پانزده دقیقه یکی از خانمهای فعال در رابطه با موضوع 8 مارس و ستم چندین لایه ای که بر زنان وارد میشود، صحبت کند. ولی آنها بدون ارائه دلیلی قانع کننده از دادن حداقل وقت برای ما زنان ما خودداری کردند. دید تنگ نظرانه نسبت به زن و موضوعات مربوط به آن اکثر فضاها را به خود اختصاص داده است. که برای شکستن این تابوها و دیوارها نیاز است تا سالها کار فکری در جهت آگاهی بخشی موضوعات برابری طلبانه انجام بگیرد.

رویکرد فعالان حرکت ملی آذربایجان با موضوع زنان

در ارتباطات مستمری که با فعالان حرکت ملی آذربایجان داشتم. آنها به ما وعده داده بودند تا در رابطه با راه اندازی سایتی به نام "آذرقادین" با ما همکاری کنند و از سوی چند تن از فعالان حرکت ملی قول مساعد در زمینه تدارک مکان برای اجرای برنامه مربوط به 8 مارس را گرفتیم. ولی آنها چنان که معمول در این جریان است همه نقل قول های خود را در نهایت بی تفاوتی و بی مسئولیتی نادیده گرفتند.

تنها حرکتی که از آنها در این رابطه مشاهده شد دعوتی غیررسمی و تلفنی بود که یک گروه کوهنوردی از زنان فعال در حرکت ملی کرده بود. ولی اولاً بیش از ده- بیست نفر به این فراخوان نیامده بودند. ثانیاً دعوت کنندگان به قدری در این مسئله از خود محافظه کاری و احتیاط نشان دادند که در آن از صحبت درباره مسائل مربوط به زنان به غیر از چند ده کلمه توسط یکی از وکلای زن در رابطه با "خشونت خانوادگی" امتناع ورزیدند. برنامه شان را در عرض کمتر از یک ساعت خاتمه دادند و بعداً با خوردن شیرینی و کف زدن روز جهانی زن را با همه حرفهای در گلو مانده اش به پایان رسانیدند. از همه مضحکتر در این برنامه که در قسمت پایین "کوه عون بن علی" برگزار شد. رفتار نسجیده نیروهای انتظامی و مأموران گمنام امام زمان بود که برای مقابله با نمی دانم چه (با کدام طیف و جمعیت ، و با کدام مطالبات فمینیستی؟!) نیروهای مجهز به ابزار سرکوبش را که چندین ده برابر جمعیت حاضر بودند، در سراسر کوه بسیج کرده و از صعود زنان به کوه ممانعت به عمل می آوردند. و از افرادی که به نظرشان مشکوک می آمدند شروع به عکس برداری و فیلم برداری می نمودند.

در حرکت ملی آذربایجان زنانی که به طرزی جدی بخواهند آگاهانه و با شعور اجتماعی بالا مشارکت اجتماعی داشته باشند کم به چشم نمی خورند. زنان فعال در این حرکت اولاً حضورشان کم رنگ است و غالباً در عرصه فرهنگی فعال هستند نه سیاسی. ثانیاً آنها چون از طریق همسر و یا مردانی که نسبت فامیلی به آنها دارند به این حرکت وارد شدند هنوز نتوانسته اند به طرزی شایسته و بایسته جایگاهشان را در این عرصه تعریف کنند.

رویکرد نیروهای مستقل فکری با موضوع زنان

نیروهای مستقل فکری عبارتند از گروه معدودی تحصیل کردگان مراکز آموزش عالی که بدلیل روحیه جمع‌گریزی و عدم دارا بودن قدرت کار جمعی و پرداختن هزینه در برابر آن، به طرز انفرادی بعضاً کارهای فرهنگی - فکری عرضه می‌کنند. این نحلّه چون از نظر اقتصادی جزء طبقات متوسط جامعه محسوب می‌شوند با بسیاری از موضوعات و مفاهیم مربوط به حوزه زنان همچون فقرزنانه، خشونت خانوادگی، اعتیاد، فحشا و ... که غالباً طبقات فرو دست اجتماع از آن رنج می‌برند، بیگانه‌اند و از این رو انگیزه چندانی برای حل و یا گفتگو در پیرامون این مسائل را ندارند.

این گروه اکثراً در مشاغل دولتی مشغول به کار هستند و به خاطر محدودیت‌هایی که بر کارکنان دولت اعمال می‌شود به دلیل موقعیت شغلیشان نمی‌توانند پا فراتر از آنچه در جامعه خط قرمز محسوب می‌شود، بگذارند. چنانکه وقتی ما برای گفتگو در باب مسائل مربوط به زنان به نزد آنها مراجعه کردیم هیچ انگیزه‌ای از خود در این رابطه که حاکی از همکاری و همیاری با برنامه‌های مربوط به روز جهانی زن باشد از خود نشان ندادند.

یک نکته روشن

اما به مناسبت 8 مارس تنها کار کیفی و اثر گذاری که انجام گرفت انتشار ویژه نامه شماره 30-31 ماهنامه اجتماعی- سیاسی "دیلمانج" با عنوان "قادین مسأله سی" بود که در تاریخ اسفند 1385 به سردبیری "خانم فرانک فرید" و مدیر مسئولی "آقای علیرضا صّرافی" انجام گرفت و نشان داد که هنوز در آذربایجان علیرغم همه موانعی که در مسیر حرکت آزادیخواهان و روشنفکران ایجاد می‌کنند، زنان و مردان فرهیخته و آگاهی وجود دارند که برآنند تا با فرهنگ سازی و اطلاع رسانی در رابطه با مسائل مربوط به حوزه زنان و برابری جنسیتی و تحقق دموکراسی و فدرالسیم و حقوق بشر بستر مناسبی را جهت حرکت فعالان جنبش زنان ایجاد نمایند.

نتیجه گیری

از برآیند این تعاملات در رابطه با موضوع زنان در آذربایجان می‌توان چنین نتیجه گرفت. مجموعه این عملکردها به ما می‌آموزد تا در رابطه با مسائل و موضوعات مربوط به زنان مستقل عمل کنیم، روی امکانات مادی و معنوی خودمان محاسبه کنیم و بدانیم که مردان جامعه در هر سطح و

موقعیت اجتماعی – سیاسی که باشند به ما اجازه نخواهند تا ما به متن فعالیت ها و موقعیت های برابر با آنها برسیم.

به کار بردن اصطلاح جنبش زنان در آذربایجان اسمی بی مسماست، در این منطقه جغرافیایی که ما نیز در آن ساکنیم، هنوز پویایی زنان برای رسیدن به آگاهی فمینیستی، آنچنان بالنده و گسترده نشده است که بتوان در مورد آن اصطلاح جنبش زنان را به کار برد.

زنان بیش از مردان در باز تولید تفکرات مردسالارانه و تأثیر منفی آن در جامعه ایفاء نقش می کند. چون اولاً به طوری عمومی فاقد آگاهی های فمینیستی لازم در این زمینه اند. ثانیاً برای آگاهی و افزایش دانایی خود در این مورد اقدامی جدی از آنان مشاهده نمی شود.

متأسفانه مسائل مربوط به زنان برای خود آنها موضوع مهم و پراهمیتی نیست. غرقه عادات و روزمرگی شدن که در نتیجه کار مستمر غیر متنوع خانگی برای آنها ایجاد شده است. باعث گردیده تا زنان به علت اینکه همواره در حوزه خصوصی بوده اند و با این شاخص شناخته می شوند، نتوانند در حوزه عمومی ایفاگر نقش های تأثیر گزار باشند.

با وجود آنکه نقش مهم تربیت و مراقبت از فرزندان به طور طبیعی- سنتی- تاریخی به عهده زنان نهاده شده است. زنان می توانند فرزندان خود بخصوص فرزندان ذکور خود را با روشهای برابری طلبانه به گونه ای تربیت و آموزش کنند، که رفته رفته در نسل های آینده شاهد تبعیض جنسیتی کمتری در جامعه باشیم. ولی متأسفانه هنوز اهمیت و حساسیت این قضیه از سوی خانوادها به درستی درک نشده است.

امید است تا جنبش زنان در آذربایجان به شکلی مستقل بدون آنکه ایدئولوژی زده شود به طرزی عمیق و کیفی به رشد بالندگی برسد که روح ارگانیک حاکم بر آن بتواند در تغییر روش زندگی مردم بخصوص زنان آذربایجان از خود تأثیر مطلوبی را بر جای بگذارد. 1